

32118، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409هـ؛
الآجري، أبي بكر محمد بن الحسين (متوفى 360هـ)، الشريعة، ج 4، ص 2051، تحقیق الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان
الدميجي، ناشر: دار الوطن - الرياض / السعودية، الطبعة: الثانية، 1420 هـ - 1999 م.
الشجري الجرجاني، المرشد بالله يحيى بن الحسين بن إسماعيل الحسني (متوفى 499 هـ)، كتاب الأمالي وهي المعروفة
بالأمالي الخميسية، ج 1، ص 190، تحقیق: محمد حسن اسماعيل، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى،
1422 هـ - 2001م؛
ابن عساكر الدمشقي الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفى 571هـ)، تاريخ مدينة دمشق
وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، ج 42، ص 221، تحقیق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ناشر: دار
الفكر - بيروت - 1995؛
الطبري، ابوجعفر محب الدين أحمد بن عبد الله بن محمد (متوفى 694هـ)، ذخائر العقبى في مناقب ذوي القربى، ج 1، ص 67،
ناشر: دار الكتب المصرية - مصر؛
الذهبي الشافعي، شمس الدين ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير
والأعلام، ج 3، ص 632، تحقیق د. عمر عبد السلام تدمري، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ -
1987م؛
ابن كثير الدمشقي، إسماعيل بن عمر ابوالفداء الفرشي (متوفى 774هـ)، البداية والنهاية، ج 7، ص 350، ناشر: مكتبة المعارف
- بيروت؛
السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى 911هـ)، الحاوي للفتاوي في الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول
والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج 1، ص 78، تحقیق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة:
الأولى، 1421 هـ - 2000م.
ملاعلی هروی بعد از نقل و شرح این روایت می گوید:
(رواه أحمد) أي في مسنده، وأقل مرتبته أن يكون حسنا فلا التفات لمن قدح في ثبوت هذا الحديث.
این روایت را احمد در مسند خود نقل کرده است، کمترین درجه این حدیث این است که «حسن» باشد؛ پس سخن کسانی
که به این روایت ایراد گرفته اند، ارزش توجه ندارد.
ملا علی القاری، نور الدین أبو الحسن علی بن سلطان محمد الهروی (متوفی 1014هـ)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح،
ج 11، ص 78، تحقیق: جمال عینانی، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001م.
بررسی سند روایت:
عغان بن مسلم بن عبد الله الباهلی (219هـ):
از روات صحیح بخاری، مسلم، أبو داود، الترمذی، النسائی، ابن ماجه.
حماد بن سلمة (167هـ):
از روات صحیح بخاری (تعلیقا)، مسلم، أبو داود، الترمذی، النسائی، ابن ماجه.
علی بن زید بن جدعان (131هـ):
از روات صحیح مسلم و بقیه صحاح سته و بخاری در أدب المفرد.
عن عدي بن ثابت (116هـ):
از روات بخاری، مسلم، أبو داود، الترمذی، النسائی، ابن ماجه.
أبي هارون العبدی (134هـ):
از روات بخاری، ترمذی، ابن ماجه.
طبق قواعد رجالی اهل سنت، هر کس که در صحیح بخاری و مسلم روایتی نقل کرده باشد، وثاقت و عدالتش قطعی است؛
چنانچه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری می نویسد:
وقد نقل بن دقیق العید عن بن المفضل وكان شيخ والده انه كان يقول فيمن خرج له في الصحيحين هذا جاز القنطرة.
ابن دقیق العید از ابن مفضل که استاد پدرش بوده است نقل حدیث دارد که می گفت: کسی که در طریق راویان بخاری باشد
از پل عبور کرده است.
العسقلانی الشافعی، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل (متوفى 852 هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج 13، ص 457،
تحقیق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.
و ابن تیمیه حرّانی در باره صحیح بخاری و مسلم می گوید:
ولكن جمهور متون الصحيحين متفق عليها بين أئمة الحديث تلقوها بالقبول وأجمعوا عليها وهم يعلمون علما قطعيا أن النبي
قالها.
محتوای صحیح بخاری و مسلم در بین پیشوایان حدیث پذیرفته شده و مورد قبول است، و همگان بر این مطلب اجماع دارند که
به طور قطع و یقین احادیث موجود در این دو کتاب از رسول خدا است.
الحرانی، أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة أبو العباس (متوفى 728هـ)، قاعدة جلیلة في التوسل والوسيلة، ج 1، ص 87، ناشر:
المكتب الإسلامي - بيروت تحقیق: زهير الشاويش، 1390 هـ - 1970م.

تصحیح البانی:

سند حدیث مورد بحث ما همان روایت ابن ماجه قزوینی (از حماد بن سلمه تا براء بن عازب) در باره غدیر است که محمد ناصر البانی در السلسله الصحیحه، آن را تصحیح کرده است.

رک: ابن ماجه القزوینی، محمد بن یزید (متوفای 275 هـ)، سنن ابن ماجه، ج 1، ص 43، ح 116، باب قَصْلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رضي الله عنه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفکر - بیروت.

الألبانی، محمد ناصر، صحیح ابن ماجه، ج 1، ص 26، ح 113، طبق برنامه المكتبة الشاملة.

در نتیجه ادعای برخی از علمای سنی که گفته‌اند:

وهذا ضعيف فقد نصوا أن علي بن زيد وأبا هرون وموسى ضعفاء لا يعتمد على روايتهم وفي السند أيضا أبو إسحق وهو شيعي مردود الرواية.

این روایت ضعیف است، علما تصریح کرده‌اند که علی بن زید و ابا هارون، ضعیف هستند و به روایات آنها اعتماد نمی‌شود. همچنین در سند این روایت ابواسحق وجود دارد که او شیعی و روایتش مردود است.

الآلوسی البغدادي الحنفی، أبو الفضل شهاب الدین السید محمود بن عبد الله (متوفای 1270 هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج 6، ص 194، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت.

پایه و اساس ندارد؛ زیرا در غیر این صورت، باید بسیاری از روایات بخاری و مسلم و بقیه صحاح سته اهل سنت را دور بریزیم.

تحریف روایت ابن ماجه و عبد الرزاق:

این کثیر دمشقی سلفی این روایت را این گونه نقل می‌کند:

وقال عبد الرزاق: أنا معمر عن علي بن زيد بن جدعان، عن عدي بن ثابت، عن البراء بن عازب قال: خرجنا مع رسول الله حتى نزلنا غدیر خم بعث مناديا ينادي، فلما اجتمعا قال: " أأست أولى بكم من أنفسكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله ! قال: أأست أولى بكم من أمهاتكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال: أأست أولى بكم من آبائكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله ! قال: أأست أأست؟ قلنا: بلى يا رسول الله قال: من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه " فقال عمر بن الخطاب: هنيئا لك يا ابن أبي طالب أصبحت اليوم ولي كل مؤمن.

وكذا رواه ابن ماجه من حدیث حماد بن سلمة عن علي بن زيد وأبي هارون العبدی عن عدي بن ثابت عن البراء به. وهكذا رواه موسى بن عثمان الحضرمي عن أبي إسحاق عن البراء به. وقد روي هذا الحديث عن سعد وطلحة بن عبید الله وجابر بن عبد الله وله طرق عنه وأبي سعيد الخدري وحبشي بن جنادة وجرير بن عبد الله وعمر بن الخطاب وأبي هريرة.

براء بن عاذب می‌گوید: به همراه رسول خدا خارج شدیم تا این که به غدیر خم رسیدیم، آن حضرت کسی را فرستاد تا مردم را صدا بزند، وقتی مردم جمع شدند، آن حضرت فرمود: آیا من نسبت به مؤمنان از جان آنان به خودشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری، فرمود: آیا من از مادرانتان پیش شما سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری ای پیامبر خدا، فرمود: آیا من از پدران شما در نزد شما سزاوارتر نیستم؟ گفتند: این چنین است ای رسول خدا، فرمود: آیا نیستم؟ آیا نیستم؟ گفتند: بلی ای رسول خدا، سپس فرمود: هر کس من مولای او هستم، پس این علی مولای او است، خداوند دوست بدار آنکه علی را دوست بدارد و دشمن بدار دشمن او را.

پس عمرگفت: مبارك باشد بر تو ای علي، تو اکنون مولا و رهبر من و تمام مؤمنان هستی.

این روایت را به همین صورت ابن ماجه از حماد بن سلمه از علی بن زید و ابا هارون عبدی از عدی بن ثابت از براء نقل کرده است. همچنین موسی بن عثمان خضرمی از ابا اسحاق از براء نقل کرده است.

و نیز این حدیث از سعد (بن ابي وقاص)، طلحة بن عبید الله، جابر بن عبد الله که چندین طریق دارد، و ابي سعيد خدري، حبشی بن جنادة، جریر بن عبد الله، عمر بن خطاب و ابي هريرة نقل شده است.

ابن کثیر الدمشقی، إسماعيل بن عمر ابوالفداء القرشي (متوفای 774 هـ)، البداية والنهاية، ج 7، ص 350، ناشر: مكتبة المعارف - بیروت.

جلال الدین سیوطی نیز این روایت را از ابن ماجه با ادامه آن نقل کرده است:

وأخرج أحمد، وابن ماجه عن البراء بن عازب قال: (كنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في سفر فنزلنا بغدير خم فنودي فينا الصلاة جامعة فصلى الظهر وأخذ بيد علي فقال... فلقية عمر بعد ذلك فقال له: (هنيئا لك يا ابن أبي طالب أصبحت وأمسيّت مولى كل مؤمن ومؤمنة).

السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفای 911 هـ)، الحاوي للفتاوي في الفقه وعلوم التفسير والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، ج 1، ص 78، تحقیق: عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ناشر: دار الكتب العلمية - بیروت، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2000 م.

در حالی که متأسفانه در نسخه‌های فعلی سنن ابن ماجه جمله « قَلَيْتُهُ عَمْرٌ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ هِنْيَاءُ يَا بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ » وجود ندارد و حذف شده است.

رک: ابن ماجه القزوینی، محمد بن یزید (متوفای 275 هـ)، سنن ابن ماجه، ج 1، ص 43، ح 116، باب قَصْلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رضي الله عنه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفکر - بیروت.

ذهبی نیز بعد از نقل این روایت می‌گوید:

ورواه عبد الرزاق، عن معمر، عن علي بن زيد.

در حالی که ما این روایت را در مصنف عبد الرزاق نیز نیافتیم. البته امکان دارد که عبد الرزاق آن را در کتاب دیگری نقل کرده باشد که به دست ابن کثیر و ذهبی رسیده است.

روایت دوم: روایت ابوهریره

خطیب بغدادی در ترجمه حبشون بن موسی می‌نویسد:

أبناً عبد الله بن علي بن محمد بن بشران أبناً علي بن عمر الحافظ حدثنا أبو نصر حبشون بن موسى بن أيوب الخلال حدثنا علي بن سعيد الرملي حدثنا ضمرة بن ربيعة القرشي عن بن شوذب عن مطر الوراق عن شهر بن حوشب عن أبي هريرة قال: من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهرا وهو يوم غدیر خم لما أخذ النبي صلى الله عليه وسلم بيد علي بن أبي طالب فقال ألتست ولي المؤمنين قالوا بلى يا رسول الله قال من كنت مولاه فعلي مولاه.

فقال عمر بن الخطاب بخ بخ لك يا بن أبي طالب أصبحت مولاي ومولى كل مسلم فأنزل الله اليوم أكملت لكم دينكم.

اشتهر هذا الحديث من رواية حبشون وكان يقال إنه تفرد به وقد تابعه عليه أحمد بن عبد الله بن النيرى فرواه عن علي بن سعيد أخبرنيه الأزهرى حدثنا محمد بن عبد الله بن أخي ميمي حدثنا أحمد بن عبد الله بن أحمد بن العباس بن سالم بن مهران المعروف بابن النيرى إملأ حدثنا علي بن سعيد الشامي حدثنا ضمرة بن ربيعة عن بن شوذب عن مطر عن شهر بن حوشب عن أبي هريرة قال من صام يوم ثمانية عشر من ذي الحجة وذكر مثل ما تقدم أو نحوه.

ومن صام يوم سبعة وعشرين من رجب كتب له صيام ستين شهرا وهو أول يوم نزل جبريل عليه السلام على محمد صلى الله عليه وسلم بالرسالة.

از ابوهریره نقل شده است که گفت: کسی که روز هجدهم ذی حجه را روزه بگیرد ثواب روزه شصت ماه برای وی نوشته می‌شود، این روز، روز غدیر خم است، روزی که رسول خدا صلى الله عليه و آله دست علی را گرفت و فرمود: آیا من رهبر مؤمنان نیستم؟ گفتند: چرا ای رسول خدا. فرمود: هر کس من مولای او هستم علی مولای او است.

عمر گفت: تبریک، تبریک ای پسر ابوطالب، تو اکنون مولای من و مولای هر مسلمانی، سپس این آیه نازل شد: امروز دین شما را کامل کردم.

این حدیث به عنوان روایت حبشون مشهور شده است، گفته شده که فقط او این روایت را نقل کرده است؛ در حالی احمد بن عبد الله نیز از علی سعید... از ابی هریره نقل کرده است....

الخطیب البغدادي، أحمد بن علي أبو بكر (متوفاي 463هـ)، تاریخ بغداد، ج 8، ص 289، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت.

همین روایت را الشجرى الجرجانى (متوفاي 499 هـ) در کتاب الأمالی با همین سند در سه جای از کتابش و ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق نقل کرده‌اند:

الشجرى الجرجانى، المرشد بالله يحيى بن الحسين بن إسماعيل الحسنى، كتاب الأمالي وهي المعروفة بالأمالی الخميسیة، ج 1، ص 192، و ج 1، ص 343، و ج 2، ص 102، تحقیق: محمد حسن اسماعیل، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001م؛

ابن عساکر الدمشقي الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفاي 571هـ)، تاریخ مدینه دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، ج 42، ص 233، تحقیق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ناشر: دار الفكر - بیروت - 1995.

بررسی سند روایت:

عبد الله بن علي بن محمد بن بشران:

وی استاد خطیب بغدادی و ثقة است؛ چنانچه ذهبی در باره او می‌نویسد:

عبد الله بن علي بن محمد بن عبد الله بن بشران البغدادي الشاهد... قال الخطيب: كان سماعه صحيحاً، وتوفي في شوال.

عبد الله بن علي... خطیب در باره او گفته: شنیده های او صحیح بود. در ماه شوال از دنیا رفت.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج 29، ص 264، تحقیق د. عمر عبد السلام تدمری، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بیروت، الطبعة: الأولى، 1407هـ - 1987م؛

البغدادي، أحمد بن علي ابوبكر الخطيب (متوفاي 463هـ)، تاریخ بغداد، ج 10، ص 14، رقم: 5130، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت.

علي بن عمر الحافظ:

علی بن عمر، همان دار قطنی معروف و صاحب سنن است که در وثاقت او تردیدی نیست؛ چنانچه ذهبی در باره او می‌گوید:

قال أبو بكر الخطيب كان الدارقطني فريد عصره وقريع دهره ونسيج وحده وامام وقته انتهى اليه علو الاثر والمعرفة بعلم الحديث واسماء الرجال مع الصدق والثقة وصحة الاعتقاد والاضطلاع من علوم سوى الحديث منها القراءات.

دار قطنی یگانه روزگار و پهلوان میدان بود و مانند‌ی نداشت او پیشوای زمانش بود، دانش و معرفت اسباب شناسائی حدیث و شناخت نامهای راویان به او ختم می‌شد، راستگو و مورد اعتماد و دارای اعتقادی صحیح بود و در دیگر علوم غیر از حدیث مانند دانش قرآت نیز قوی بود.

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفاي 748هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 16، ص 452، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.

أبو نصر حبشون بن موسى بن أيوب الخلال:

ذهبي در باره او می‌گوید:

حبشون بن موسى بن أيوب الشيخ أبو نصر البغدادي الخلال... وكان أحد الثقات.

حبشون بن موسي، یکی از افراد مورد اعتماد بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 15، ص 317، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.

خطيب بغدادی در باره او می‌گوید:

وكان ثقة يسكن باب البصرة.

حبشون مورد اعتماد بود و در باب البصرة سکونت داشت.

البغدادي، أحمد بن علي ابوبكر الخطيب (متوفاي 463هـ)، تاريخ بغداد، ج 8، ص 289، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

و بعد از نقل روایت اكمال نیز روایت دیگری را نقل کرده و می‌گوید:

الأزهري أنبأنا علي بن عمر الحافظ قال حبشون بن موسى بن أيوب الخلال صدوق....

علی بن عمر الحافظ گفته است: حبشون بن موسی راستگو است.

تاريخ بغداد، ج 8، ص 4391.

علي بن سعيد الرملي:

ذهبي در باره او می‌گوید:

علي بن أبي حملة شيخ ضمرة بن ربيعة ما علمت به بأسا ولا رأيت أحدا الآن تكلم فيه وهو صالح الأمر ولم يخرج له أحد من أصحاب الكتب الستة مع ثقته.

علی بن ابی حمله بزرگ قبیله ضمره است، من در او ایرادی نمی بینم و کسی را هم ندیده ام که در باره او سخنی گفته باشد، او کارهایش خوب بود ولی با این که ثقة است صاحبان کتب سته از وی روایت نقل نکرده‌اند.

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان أبو عبد الله (متوفاي 748 هـ) ميزان الاعتدال في نقد الرجال، ج 5، ص 153 - 154، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1995م.

وإذا كان ثقة ولم يتكلم فيه أحد فكيف نذكره في الضعفاء.

علی بن سعید رملی ثقة است و کسی در باره وی سخنی نگفته است، پس چرا باید نام وی را در ردیف افراد ضعیف بیاوریم؟. العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل (متوفاي 852هـ) لسان الميزان، ج 4، ص 227، تحقيق: دائرة المعارف

النظامية - الهند، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1406هـ - 1986م.

ضمرة بن ربيعة القرشي

ذهبي در باره او می‌گوید:

ضمرة بن ربيعة. الإمام الحافظ القدوة محدث فلسطين أبو عبد الله الرملي...

روی عبد الله بن أحمد بن حنبل عن أبيه قال ضمرة رجل صالح الحديث من الثقات المأمونين لم يكن بالشام رجل يشبهه هو أحب إلينا من بقية بقية كان لا يبالي عن حدث وقال ابن معين والنسائي ثقة.

وقال أبو حاتم صالح قال آدم بن أبي إياس ما رأيت أحدا أعقل لما يخرج من رأسه من ضمرة

وقال ابن سعد كان ثقة مأمونا خيرا لم يكن هناك أفضل منه ثم قال مات في أول رمضان سنة اثنتين ومئتين .

وقال أبو سعيد بن يونس كان فقيهم في زمانه مات في رمضان سنة اثنتين ومئتين

ضمرة بن ربيعة، پیشوا، حافظ، رهبر و محدث فلسطین بود. عبد الله بن احمد بن حنبل از پدرش نقل کرده که گفت: ضمیره، مرد پاك سرشت بود و در نقل حدیث صالح بود، از افراد مورد وثوق و اعتماد بود، در شام مانند او نبود. او در نزد من محبوب‌تر از

دیگرانی بود که در نقل حدیث دقت نمی‌کردند که از چه کسانی نقل کنند. ابن معین و نسائی گفته‌اند: مورد اعتماد بود.

ابوحاتم گفته: درست کار بود، آدم بن ایاس گفته: کسی را دانایتر از او در آن چه از مغزش خارج می‌شود (فکر و اندیشه)، ندیدم، ابن سعد گفته: مورد اعتماد و اطمینان و آدم خوبی بود، در این جا شخصی بهتر از او نیست.

ابوسعيد بن يونس گفته: او فقيه اهل زمان خود بود...

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 9، ص 106، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.

عبد الله بن شوذب:

عبد الله بن شوذب. البلخي ثم البصري الإمام العالم أبو عبد الرحمن نزيل بيت المقدس... وثقه أحمد بن حنبل وغيره. قال أبو عمير بن النحاس حدثنا كثير بن الوليد قال كنت إذا رأيت ابن شوذب ذكرت الملائكة. قال أبو عامر العقدي سمعت الثوري يقول

كان ابن شوذب عندنا ونحن نعهده من ثقات مشايخنا وقال يحيى بن معين كان ثقة.

عبد الله بن شوذب، پیشوا و دانشمند بود، احمد بن حنبل و دیگران او را توثیق کرده‌اند. ابوعمیر نحاس گفته: کثیر بن ولید می‌گفت: من هر وقت ابن شوذب را می‌بینم به یاد ملائکه می‌افتم. ابوعامر عقدی گفته: از ثوری شنیدم که می‌گفت: ابن

شوذب پیش ما بود و ما او را جزء اساتید مورد اعتماد می‌شمردیم، یحیی بن معین گفته: او مورد اعتماد بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 7، ص 92، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ. و ابن حجر عسقلانی می گوید:

عبد الله بن شوذب الخراساني أبو عبد الرحمن سكن البصرة ثم الشام صدوق عابد من السابعة. عبد الله بن شوذب خراساني ساكن بصره بود سپس به شام رفت، انسانی راستگو و اهل عبادت و از طبقه هفتم از محدثین است.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل (متوفاي 852هـ)، تقريب التهذيب، ج 1، ص 3386، رقم: 3387، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986 م. مطر الوراق:

ذهبی در باره او می گوید:

مطر الوراق. الإمام الزاهد الصادق أبو رجاء بن طهمان الخراساني نزيل البصرة مولی علماء بن أحمر الیشکري كان من العلماء العاملين وكان يكتب المصاحف ويتقن ذلك مطر الوراق پیشوای زاهد راستگو، اصل او خراسانی است و ساکن بصره شد، وی از دانشمندان شایسته و از نویسندگان قرآن بود که به درستی آن را انجام می داد.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 5، ص 452، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.. و در کتاب دیگرش می گوید:

فمطر من رجال مسلم حسن الحديث.

مسلم در کتاب صحیحش از او نقل روایت دارد و از رجال این کتاب است، و روایاتش نیکو است.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، ج 6، ص 445، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1995 م.

شهر بن حوشب:

شهر بن حوشب از روات صحیح مسلم است و در وثاقت وی تردید نیست؛ چنانچه ذهبی در تاریخ الإسلام در باره او می گوید: قال حرب الكرمانی: قلت لأحمد بن حنبل: شهر بن حوشب، فوثقه وقال: ما أحسن حديثه. وقال حنبل: سمعت أبا عبد الله يقول: شهر ليس به بأس. قال الترمذي: قال محمد يعني البخاري: شهر حسن الحديث، وقوى أمره.

شهر بن حوشب مشکلی ندارد، حدیثش نیکو و کارش استوار بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفاي 748 هـ)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، ج 6، ص 387، تحقيق د. عمر عبد السلام تدمري، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ - 1987 م.

ترمذی در سنن خود بعد از نقل روایتی که در سند آن شهر بن حوشب وجود دارد، می نویسد:

وَسَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ فَوَثَّقَهُ وَقَالَ إِنَّمَا يَتَكَلَّمُ فِيهِ بَنُ عَوْنٍ ثُمَّ رَوَى بَنُ عَوْنٍ عَنْ هِلَالِ بْنِ أَبِي زَيْتَبَ عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ قَالَ أَبُو عِيْسَى هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

بخاری شهر بن حوشب را توثیق کرد و روایت وی را حسن و صحیح دانسته اند.

الترمذي السلمی، محمد بن عیسی أبو عیسی (متوفاي 279هـ)، سنن الترمذی، ج 4، ص 434،، تحقيق: أحمد محمد شاكر وأخرون، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

عجلی در معرفة الثقات می نویسد:

شهر بن حوشب شامی تابعی ثقة.

شهر بن حوشب اهل شام و از تابعان و ثقه بود.

العجلي، أبي الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح (متوفاي 261هـ)، معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مذاهبهم وأخبارهم، ج 1، ص 461، رقم: 741، تحقيق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، ناشر: مكتبة الدار - المدينة المنورة - السعودية، الطبعة: الأولى، 1405 - 1985 م.

در نتیجه سند این روایت نیز کاملاً صحیح است و هیچ ایرادی در آن دیده نمی شود.

نتیجه:

تبریک گفتن مردم و به ویژه خلیفه دوم ثابت می کند که منظور رسول خدا صلی الله علیه وآله از جمله «من كنت مولاه فعلي مولاه» ولایت و امامت امیر مؤمنان علیه السلام بوده نه صرف محبت و دوست داشتن ایشان؛ چرا که اگر مقصود صرف دوست داشتن بود، نیازی به تبریک گفتن نداشت. ضمن این که خلیفه دوم می گوید که «أصبحت مولاي ومولى كل مولى؛ تو از امروز مولای ما شدی»

و در روایت ابن کنیر دمشقی آمده بود: «أصبحت اليوم ولي كل مؤمن؛ تو از امروز سرپرست هر مؤمنی شدی»؛ در حالی که دوست داشتن تمام مؤمنان از واجباتی است که قبل از آن نازل شده و از مسلمات بود و اگر کلمه «ولی» را به معنای محبت و

دوستی بگیریم این معنا به ذهن تبادر خواهد کرد که عمر می‌گوید ما تا کنون با تو دوست نبودیم و تو از امروز با ما دوست شدی. آیا اهل سنت می‌توانند این مطلب را بپذیرند؟
در نتیجه چاره‌ای نیست جز این که حدیث غدیر به معنای «امامت و خلافت» گرفته شود.
منبع :
مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف)